مقایسه‌ای میان تجربه توسعه برونزا و پیشرفت درونزا در ۲ کشور خاورمیانه‌ای

مصر وابسته یا ایران مستقل کدام توسعه‌یافته‌ترند؟!

پیشرفت و رهایی از عقب‌ماندگی، از مهم‌ترین اولویت‌های جوامع و دولت‌ها، بویژه در کشـورهای جهان سوم است. صرف نظر از مفهوم جهان سوم که در حال حاضر ممکن است همچنان، مناقشاتی بر سر آن وجود داشته باشد، پیشرفت و عقب‌ماندگی به‌طور عام، به‌دلایل عینی، از مفهومی کلی و غالباً مورد توافق برخوردار اسـت. اهمیت این مسـاله تا حدی است که در صدر آرمان‌ها، اهداف، راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های حاکمیتی کشورها قرار دارد. در حال حاضر حداقل دو نگاه و رویکرد، نسـبت به پیشرفت و رهایی از عقب‌ماندگی وجود دارد. یکی «نگاه تجربی و برونزا» که نگاهی پوزیتیویسـتی و مبتنـی بر همگرایـی (وابسـتگی) و الگوگیری از کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت و به نوعی تکیه بر قـدرت خارجی اسـت. آمریـکا در صدر کشورهای پیشـرفته و چین، کره‌جنوبی، مالزی و اندونزی از جمله نمونه‌های در حال پیشرفت هستند. دیگری «نـگاه ایدئولوژیک و درونزا» که مبتنی بر واگرایی (اسـتقلال)، الگوی بومـی و ظرفیت‌های درونی است. پیشرفت در حوزه اقتصاد و تجارت، علم و فناوری، سیاست و دفاع نظامی، فرهنگ، اجتماع و سـلامت از جمله مهم‌ترین حوزه‌های پیشرفت محسوب می‌شود به‌طوری که مهم‌ترین مؤلفه‌های اصلی قدرت هر نظام سیاسـی را تشکیل می‌دهد. واضح اسـت تقویت این مؤلفه‌ها و ارتقای مستمر شـاخص‌های پیشـرفت در عرصه‌های مختلف، از دغدغه‌های اصلی هر نظام سیاسـی است و میزان اسـتحکام ساخت درونی هر نظام، مهم‌ترین عامل موفقیت آن در پاسـخ مؤثر به دغدغه‌های یادشده اسـت. به این منظور نمونه مصـر و ایران به‌عنوان ۲ کشور به اصطلاح جهان سومی و آمریکا به‌عنوان یک قـدرت بزرگ را به چند دلیل مورد توجه قرار داده‌ایم. اولاً در رابطه با آمریکا، هم مصر و هم ایران طی ۳۵ سال گذشته، مصداق بارز همگرایی تمام‌عیار (مصر) و واگرایی تمام‌عیار (ایران) با این قدرت بزرگ بوده‌اند. ثانیاً هر دو کشـور، دارای کمیت جمعیت نزدیک بهم هستند. ثالثاً هر دو کشور از مهم‌ترین کشـورهای منطقه خاورمیانه محسوب می‌شوند و رابعاً اسلام دین اکثریت مطلق مردم این دو کشور اسـت. بنابراین، کمیت انسـانی مشابه، بنیان‌های فرهنگی و اعتقادی مشترک و اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک نسبتاً همسنگ، کار بررسی تأثیر مهم‌ترین وجه تفاوت راهبردی این ۲ کشور یعنی وابستگی و استقلال نسبت به قدرت بزرگ (آمریکا) را جذاب‌تر و واقعی‌تر کرده است. این موضوع از آن جهت که هر ۲ کشور از مهم‌ترین کشورهای جهان اسلام محسوب می‌شوند و جمعیت بیش از یک و نیم میلیارد مسلمان سـاکن در ممالک اسلامی و اقصی نقاط دنیا، بیش از پیش با مسـاله پیشرفت و رهایی از عقب‌ماندگی دست به گریبانند و همواره در جست‌وجوی سعادت مادی و معنوی خود بوده و هستند، دارای اهمیت مضاعف است زیرا با توجه به تحولات منطقه و مطالبات روزافزون معیشتی و اقتصادی و اسلامی و سیاسی مردم منطقه، اعم از رفع فقر و بیکاری و پیاده‌سازی شریعت اسلامی در جامعه و ساختار حاکمیت، جمع‌بندی تجربه مصری و ایرانی پیشـرفت و مقایسـه آن با هم، یافته‌های ارزشـمندی را در اختیار می‌گـذارد که اجتناب از تجربه‌هـای ناموفق و الگوگیری از تجربه‌های مؤثر از جملـه رهاوردهـای راهبردی و کاربـردی این جمع‌بندی، مقایسه و بررسی است.

مـا در این جا نه همه مؤلفه‌ها و شـاخص‌های پیشرفت بلکه مهم‌ترین‌های آن را بررسی خواهیم کـرد، از جمله پیشـرفت‌های علمـی، اقتصادی، سیاسی و پیشرفت‌های حوزه سـلامت. تـلاش ما بـر این فرض قرار دارد که پیشـرفت مصر در تمام موارد یادشـده، به همگرایی (وابسـتگی) مصر به قدرت بزرگ آمریکا - بویژه در مقایسه با ایران- وابستگی مسـتقیمی نداشـته اسـت. بـه عبـارت دیگر، بـر آنیم با بررسـی این موضـوع، به‌طور ضمنـی، فرض‌هـای مترادف فرض اصلی را نیز مدنظر قرار دهیم. این فرض‌های مترادف عبارتند از: وابستگی مستقیم بین همگرایی کشورهای جهان سـوم (از جمله مصر) با قدرت‌های بزرگ (آمریکا) و عقب‌ماندگی آنها و نیز وابسـتگی مستقیم بین واگرایی کشورهای جهان سـوم (از جمله ایران) با قدرت‌های بزرگ (آمریکا) و پیشرفت آنها. قصد ما از در نظر گرفتن فرض‌های مترادف، دیدن سـوال اصلی از ابعاد متفاوت، با هدفی واحد است. این روش به ما کمک می‌کنـد درکی واقعی‌تر، راهبردی‌تر و عمیق‌تر نسبت به موضوع بیابیم.

تحولات اخیر مصر و فعل و انفعالات گسـترده جاری در منطقه که کودتای ارتش و سقوط مرسی از مهم‌ترین آنهاست، نشان داد تا چه حد پاسخ به مساله پیشـرفت و رهایی از عقب‌ماندگی بویژه در مواجهه با متغیر همگرایی و واگرایی با قدرت‌های بزرگ، با پیچیدگی‌های فکری، نظری، سیاسـی و راهبردی و سرعت قهقرایی مواجه است. پیچیدگی و سرعتی که مردم‌سالاری و منتخب آن را در مصر به زندان می‌بـرد و حاکم معزول و محبوس را آزاد می‌کند. روشن اسـت این تغییر نه فقط در سطح افراد بلکه در سـطح آرمان‌ها، اهـداف، راهبردها، سیاسـت‌ها و برنامه‌های کلان اتفاق افتاده اسـت. یعنی در سطحی که چشم‌انداز پیشرفت و رهایی از عقب‌ماندگی و مهم‌ترین سند ملی آن، یعنی قانون اساسی را در مصر دچار «شیفت استراتژیک» کرده است. در انتهای بررسی ما، این «انحراف راهبردی» می‌تواند بطور غیرمسـتقیم، یکی از نتایج ارزیابی نسـبت انقلاب درونزای مصر، با رویکـرد برونزای مرسـی و پیش از او، به شکلی تمام‌عیار، در دوران مبارک، برای پیشرفت و رهایی از عقب‌ماندگی نیز باشد و نشـان دهد همگرایی مصر با قدرت بزرگ آمریکا، حداقل طی ۳۵ سـال گذشته، همبستگی مستقیمی با پیشرفت آن ندارد.

■ **همگرایی مصر و واگرایی ایران با آمریکا**

پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷ در ایران و سقوط شاه به‌عنوان رئیس حکومت سلطنتی پهلوی و مهم‌ترین هم‌پیمان آمریکا در منطقه خاورمیانه را می‌تـوان نقطـه اوج تحول بنیادیـن در روابط و مناسبات ایران و آمریکا دانست. مهم‌ترین پیامد این شیفت استراتژیک و تحول راهبردی، تغییر نسبت ایـران با آمریکا بود و ایران را که حداقل از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ همگرایی (وابسـتگی) تمام‌عیاری با آمریکا داشت را به مهم‌ترین کشور واگرا (مستقل) از آمریکا تبدیل کرد. اشغال سفارت آمریکا و تعبیر آن به‌عنوان انقـلاب دوم و بزرگ‌تر از انقلاب اول و تعبیر آمریکا به‌عنوان شیطان بزرگ و اعلام ۱۳ آبان به‌عنوان روز مبارزه با اسـتکبار جهانی، به رسمیت نشـناختن اسـرائیل و تعبیر آن به غده سرطانی و لـزوم محو آن، حمایت تمام‌عیار از فلسـطین و مخالفت سرسـختانه با روند سـازش با اسرائیل و اعلام جمعه آخـر ماه رمضان به‌عنـوان روز جهانی قدس از مهم‌تریـن مواضـع راهبردی بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران در نفی وابسـتگی (همگرایی) به آمریکا و استقلال (واگرایی) از آن به شـمار می‌رود. در این میان سابقه آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد، پذیرش شاه مخلوع از سوی آمریکا و بویژه وابسته و همگرای مهم آن در منطقه و بازیگر اصلی روند سـازش با اسرائیل و پیمان کمپ‌دیوید، یعنی «انور سـادات» در مصر، حمله نظامی آمریکا به ایران و واقعه طبس، تحریم ایران و بلوکه کردن دارایی‌های آن در خارج، قطع رابطه با ایران و حمایت همه‌جانبه از جنـگ و ترور و کودتا علیه جمهوری اسـلامی، آمریـکا را در منتهالیـه واگرایی با ایـران قرار داد. همگرایی ایران سـلطنتی با آمریکا و واگرایی ایران انقلابی و اسلامی با آن نه فقط در سطح افراد، بلکه در سطح آرمان‌ها و اهداف، راهبردها و سیاست‌ها و نیز برنامه‌ای کلان، مسـیر ایران را از ایران در حال حرکت به سـوی دروازه‌های تمدن غربی، به ایران در حال حرکت به سـوی تمدن اسلامی تغییر داد و اسـلام را پایه اصلی انقلاب اسلامی، مبنای همه آرمان‌ها، اهداف، راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های کلان از جمله اسـتقلال (واگرایـی) از قدرت‌های بـزرگ و در رأس آنها آمریکا قـرار داد. لذا معارضه و دشـمنی با اسـلام اصلی‌ترین هـدف آمریکا در قبـال ایران واگرا با غرب بوده اسـت. اینک که این واگرایی ۳۵ ساله شده و با اقدامات گسترده دیگری از جمله نقش محوری در جنگ ۸ ساله علیه ایران، حمله موشکی آمریکا به هواپیمای مسافری ایران، حمایت و تقدیر از نویسـنده کتاب آیات شیطانی، برخورد امنیتی با فعالیت‌های صلح‌آمیز هسـته‌ای ایران، حمایت از گروهک‌های تروریستی منافقین و جندالله علیه ایران، تحریم‌های فلج‌کننده و فشار تبلیغاتی سنگین، عمق و دامنه مضاعفی پیدا کرده است، مقایسه پیشرفت‌های ایران با پیشرفت‌های مصر که به‌عنوان یکی از بارزترین مصادیق همگرایی با آمریکا طی ۳۵ سال گذشته در منطقه خاورمیانه بوده، مهم و راهگشاست. مصری که در مدت یادشده نه جنگی به آن تحمیل شده، نه مرزهای آن تحت فشـار ناامنی جنگ بر اثر حضور مسـتقیم آمریکا در کشورهای همسـایه قرار گرفته، نه تحریم‌های گوناگون و سـنگین اقتصادی بر آن اعمال شـده، نه گروهک‌های تروریسـتی علیه آن به کار گرفته شـدند، نه تهدید به حمله نظامـی و متهم به قرار گرفتن در محور شرارت شده، نه تحت فشار تبلیغاتی و رسانه‌ای و عملیات روانی قرار گرفته، نه به وضعیت دموکراسی و حقوق بشـر در آن اتهامی وارد شده، بلکه از سـوی آمریکا در چارچوب منافع دائمی به آن نگاه شده و از حمایت‌های نظامی و تسلیحاتی این قدرت بزرگ برخوردار بوده، دیکتاتوری مبارک و حکومت نظامیـان در آن مورد حمایت تمام‌عیار آمریکا قرار گرفته، اسلام‌گرایی در آن، تا حد ممکن سرکوب شده، اقتصاد متکی بر «توریسم، کانال سوئز، صادرات کشـاورزی و کمک‌های مالی استراتژیک آمریکا»، هیچگاه تحت فشار و تحریم قرار نگرفته و ظاهـراً هیچ مانـع حداقل اعلامـی‌ای در مقابل پیشرفت آن از سوی آمریکا ایجاد نشده و انقلابش سرنوشت انقلاب اسلامی ایران را پیدا نکرده و سران انقـلاب آن از ابتدا نه تنها رویکـرد واگرا با آمریکا نداشتند بلکه همگرایی حداکثری خود با آمریکا را از طریق برخورد حقوقی ملایم با مبارک، به رسمیت شـناختن اسرائیل و تداوم رابطه با آن، قرار گرفتن در جمع متحدان آمریکا در بحران سـوریه، پرهیز از گسترش روابط با ایران و توسعه روابط با متحدان عربی آمریکا از جمله قطر و عربستان، نشان دادند. در نگاهی برونگرا، ممکن است چنین به نظر برسد کـه مصر، به دلیل قرار گرفتن در شـرایطی نرم و همگرا با آمریکا و قرار نگرفتن در چالشی تمام‌عیار با قدرتی بزرگ و متحدان آن، از «حداکثر زمینه‌های بیرونی لازم»، برای پیشرفت، برخوردار بوده و ایران به‌عنوان نقطه مقابل آن، در شرایطی سخت و واگرا با آمریکا، در چالشی همه‌جانبه با قدرتی بزرگ، از «حداقل زمینه‌های بیرونی لازم» برای پیشـرفت، برخوردار بوده است، لذا باید موفقیت‌های مصر در مقایسه با ایران چشمگیر باشد اما واقعیت غیر از این را نشان می‌دهد که در اینجا ما فقط به چند زمینه به‌عنوان نمونه اشاره می‌کنیم.

■ **توسعه‌انسانی**

شاخص توسعه انسانی شاخصی ترکیبی است برای سنجیدن موفقیت هر کشور در ۳ معیار پایه سـطح زندگی مناسـب، زندگی طولانی و سالم، دسترسـی به دانش و معرفت. کشـورهایی که در مناطق بحران‌زده قرار دارنـد حتی اگر خود دچار بحران نباشـند به علت نگرانی از سرایت ناامنی و بی‌ثباتی بـه داخل خاک خود ناگزیـر از پرداخت هزینه‌هایی برای حفظ آمادگی نظامی خود می‌شوند و از سوی دیگر میزان سـرمایه‌گذاری خارجی در چنین کشورهایی کاهش می‌یابد و شبکه‌های داد و ستد کالا با مشکل مواجه می‌شود. این رخدادها دارای تأثیر مسـتقیم بر شـاخص توسعه انسانی هستند. با این حال، به گزارش سایت برنامه توسعه سازمان ملل متحد، ایران با داشتن شاخص توسعه انسـانی برابر با ۰/۷۴۲، رتبه ۷۶ (بالاتر از اوکراین، عمان، ترکیه و چین) و مصر با داشـتن شـاخص توسعه انسانی برابر با ۰/۶۲۲، رتبه ۱۱۲ (پایین‌تر از جامائیکا، فیجی و مالدیو) را در بین ۱۸۶ کشور در سال ۲۰۱۲ دارا بودند.

ایران و مصر در فاصله سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۲ در این شاخص، دائماً سیر صعودی داشته‌اند، با این تفاوت که سـرعت ایران در رشـد این شاخص به مراتب بیشتر از مصر بوده اسـت. سال ۱۹۸۰ این شـاخص برای ایران ۰/۴۳۴ و بـرای مصر ۰/۴۰۷ بوده اسـت. یعنی ایران سال ۱۹۸۰ تنها ۰/۰۲۷ از مصر پیشی داشـته، لیکن فاصله ایران از مصر در سال ۲۰۱۲، به ۰/۱۲۰ افزایش یافته و ایران با فاصله زیادی از مصر پیشـی گرفته است. به عبارت دیگر ایران طی سـال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۲، فاصله اندک خود با مصر در سال ۱۹۸۰ را به ۴/۴ برابر بیشتر، در سال ۲۰۱۲ افزایش داده است.

■ **رشد علمی**

به گزارش پایگاه استنادی «اسکوپوس»، ایران در سال ۲۰۱۳ به جایگاه پانزدهم تولید علم جهان صعود کرده است. در بین ۳۰ کشور نخست در نظام استنادی اسکوپوس تنها کشـور مالزی با تولید ۸ هزار و ۵۲۴ مقاله و کسـب رتبه بیست‌وچهارم، از مجموع کشورهای اسلامی قرار دارد و در ۳۰ کشور اول نامـی از مصر وجود ندارد. در بین ۳۰ کشـور نخست در نظام استنادی آی‌اس‌آی، نه فقط نامی از مصر نیسـت بلکه به جز ایران و ترکیه، نام هیچ کشوری از کشورهای اسلامی نیز مشاهده نمی‌شود. این گزارش بیانگر فاصله چشـمگیر پیشرفت‌های علمـی ایـران از مصر اسـت. براساس پیش‌بینی پایگاه علمی سایمگو، ایران با ادامه روند رشد فزاینده تولیدات علمی خود تا سال ۲۰۱۸ با ۱۵ رتبه صعود، در جایگاه چهـارم تولید علم جهـان قـرار خواهـد گرفت. براسـاس داده‌های این پایگاه در سـال ۲۰۱۰، ۱۰ کشـور اول تولیدکننده علم به ترتیب آمریکا، چین، انگلستان، آلمان، ژاپن، فرانسـه، کانـادا، ایتالیا، هند و اسـپانیا بودند که ایران در این رتبه‌بنـدی در جایگاه نوزدهـم تولید علـم دنیا قرار داشـت؛ اما براساس این پیش‌بینی، ۱۰ کشور اول تولیدکننده علم دنیا در سال ۲۰۱۸ به ترتیب چین، آمریکا، انگلستان، ایران، آلمان، هند، فرانسه، ژاپن، کانادا و کره‌جنوبی خواهند بود. همچنین به گزارش اسکوپوس، رتبه پزشکی ایران در ۱۰ سال گذشته ۵۱ بود، این رقم سـال ۲۰۰۸ به ۲۳ و سال ۲۰۱۲ به رتبه ۱۹ در جهان ارتقا پیدا کرده که نشان‌دهنده روند صعودی ایران در علم پزشـکی در سـال‌های اخیر است.

براسـاس گزارش مجله «نیچر» که رشد کمی تولیدات علمی کشـورها را در تمـام گرایش‌های علوم در سـال ۲۰۱۱ میلادی بررسـی کرده، روند رشـد تولیدات علمی ایران در سال ۲۰۱۱ نسبت به سـال ۲۰۱۰ میلادی بیشترین رشد دنیا، یعنی ۲۰ درصـد بـوده و ایـن در حالـی اسـت کـه رشـد تولید علم چیـن، ۱۵ درصـد، کره‌جنوبی ۱۰ درصـد، هنـد و اسـپانیا کمتـر از ۱۰ درصد و ایـالات متحـده آمریـکا و انگلسـتان کمتر از ۵ درصد بوده است.

بررسی دیگری نشان می‌دهد در رشته شیمی، ایران رتبه بیسـت‌وهفتم و مصـر رتبه چهلم و در رشته مهندسی، ایران رتبه بیست‌ونهم و مصر رتبه سی‌وچهارم را در جهان دارد.

■ **پیشرفت اقتصادی**

برای کشورهای عربی و از جمله مصر، طی سالیان گذشته، همگرایی با غرب و داشتن روابط اقتصادی با اتحادیه اروپایی و آمریکا مهم‌تر از روابط اقتصادی با همسایگان بوده است. بیشتر کشورهای عربی از فقدان شـکوفایی اقتصادی، ضعف نظام آموزشی، فساد، قوم‌سالاری در حکومت و بروکراسی افراطی رنج می‌برنـد و از به کارگیری گسـترده نیروهای نظامی برای سرکوب اعتراضات، ابایی ندارند. این در حالی است که ایران همواره اولویت روابط اقتصادی با همسایگان، سیاست همگرایی منطقه‌ای و واگرایی بـا آمریکا را در پیش گرفته و اقداماتی نظیر تلاش برای شکل‌گیری اوپک گازی را در دستور کار خود قرار داده اسـت. به عکس، مصر در فرصت تاریخی به‌دسـت آمده در انقلاب ۵ بهمن ۸۹ که منجر به اسـتعفای مبارک در ۲۲ بهمن همان سال شد، از راهبردهای اساسی و آرمان‌های انقلاب عقبگرد کرد. حکومت مرسی که به‌خوبی آگاه بود رضایت طبقه متوسط مسـتلزم بهبود وضعیت اقتصادی کشور است، دست به مماشات در صحنه سیاست خارجی زد و سـعی کرد به نوعی برای دریافت کمک‌های اقتصادی، از سیاست‌های آمریکا، عربستان سعودی و قطر در منطقه پیـروی کند. حتی روابط با رژیم اسرائیل هم در این دوران به روال سابق ادامه یافت. بنابراین تغییر موردنظر انقلابیون در صحنه سیاست خارجی که خواهان یک سیاسـت فعال در عرصه منطقه‌ای بودند هم، به نوعی نادیده گرفته شـد و حکومت مرسـی همان سیاست سنتی و منفعلانه مصر در زمان مبارک را دنبال کرد.

اقتصاد مصر از جمله اقتصادهای نابسـامان در خاورمیانه به شمار می‌رود. سیاست‌های نامناسب اقتصادی مصر و دخالت آمریکا در امور اقتصادی این کشور، منجر به افزایش نرخ بیکاری و رشد نرخ فقر در بین مردم مصر شـده است به‌طوری که تا پیش از سـال ۲۰۱۱ نیمی از جمعیت ۸۰ میلیون نفری مصر، زیر خط فقر قرار داشته‌اند. بعد از انقلاب مصر، سرمایه‌گذاری خارجی در مصر افت شدیدی کرده و از ۳۶ میلیارد دلار در سـال ۲۰۱۰ به ۱۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ رسیده است. ارتش ۷۰ درصد تولید ناخالص ملی را در دست دارد.

این در حالی است که سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا در برآورد خود از ارزش تولید ناخالص داخلی ۲۲۹ اقتصاد دنیا در سـال ۲۰۱۲ میلادی، ایران را هجدهمین اقتصاد بزرگ جهان در این سال معرفی کرد. مصر در این گزارش در رتبه بیست‌وهفتم قرار داشت.

■ **پیشرفت سیاسی**

برای نمونه در مصر، در سـال ۲۰۰۸، تنها هزار کاندیدای مخالف توانسـتند با ۵۳۰۰۰ کاندیدای حزب دموکراتیک ملی، یعنـی حزب حاکم، برای ۵۲۰۰۰ کرسـی در انتخابات شـوراهای محلی به رقابت بپردازند. در این انتخابات تنها ۵ درصد افراد واجد شـرایط شرکت کردند. در حالی که ۱۲ ژوئن ۲۰۰۹ (۲۲ خـرداد ۸۸) ۴۰ میلیون نفر، یعنی ۸۵ درصد از واجدین شرایط، در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری ایران، شرکت کردند. تعیین عنوان نظام سیاسی، قانون اساسی، توزیع قدرت و گردش نخبگان سیاسـی، با برگزاری انتخابات‌های پی در پی، مشـارکت گسترده مردم و با راهبرد واگرایی با آمریکا، اسـتقلال ایران از آمریکا را همواره تضمین و مسـتظهر بـه مشـروعیت سیاسی و پشتوانه مردمی کرده اسـت. حتـی در دوره جنگ ۸ سـاله صدام کـه با حمایت تمام‌عیار آمریکا و متحدانش، به ایران تحمیل شد، هیچگاه روند برگزاری انتخابات متوقف نشد اما در بیش از ۳ دهه گذشـته، مبارک، تنها کاندیدای حاضر در انتخابات‌های بدون رقیب و در عین حال مورد حمایت آمریکا بـود. انتخابات پـس از انقلاب بهمن ۸۹ مـردم مصر نیز، در سایه تداوم سیاست همگرایی مرسـی و اخوان‌المسـلمین با آمریـکا، به کودتا انجامید و نشـان داد با همگرایی بـا آمریکا و برونگرایی، امکان حفظ دسـتاوردهای انقلاب از جمله مردم‌سالاری منتفی است و استمرار عقب‌ماندگی‌ها از پیامدهای طبیعی آن اسـت. در حال حاضر نیز، وضعیت پیشـرفت‌های سیاسـی، دموکراسـی و انتخابات غالب دولت‌های منطقه که وجه مشـترک همه آنها همگرایی و وابسـتگی به آمریکاست از مصر بهتر نیست.

■ **نتیجه‌گیری**

این بررسی نشـان می‌دهد در مواجهه کشورها با قدرت‌های بزرگ، سیاسـت واگرایی با قدرت‌های بزرگ، با پیشرفت همبستگی مستقیم دارد زیرا مورد ایران نشان می‌دهد استقلال و واگرایی از قدرت‌های بزرگی همچون آمریکا با به‌دست گرفتن حق تعیین سرنوشت و پیشـرفت درونزا همبستگی مستقیم داشته و بروز استعدادهای درونی و به فعلیت رسیدن ظرفیت‌های بومی را ممکن می‌کند و عملاً ایران را از مصر که نمونه بارز وابستگی و همگرایی با آمریکاست در رتبه‌ای به مراتب بالاتر قرار می‌دهد.

در بین ۳۰ کشـور نخسـت در نظام اسـتنادی آی‌اس‌آی، نـه فقط نامی از مصر نیسـت بلکه به جـز ایران و ترکیه، نام هیچ کشوری از کشورهای اسلامی نیز مشـاهده نمی‌شود. این گـزارش بیانگـر فاصله چشـمگیر پیشـرفت‌های علمی ایـران از مصر اسـت. براسـاس پیش‌بینـی پایگاه علمی سـایمگو، ایران بـا ادامه روند رشـد فزاینده تولیدات علمی خود تا سـال ۲۰۱۸ با ۱۵ رتبـه صعود، در جایگاه چهارم تولید علم جهان قرار خواهد گرفت

سیاست‌های نامناسب اقتصادی مصر و دخالت آمریکا در امور اقتصادی این کشور، منجر به افزایش نرخ بیکاری و رشد نرخ فقر در بین مردم مصر شده است به‌طوری که تا پیش از سال ۲۰۱۱ نیمـی از جمعیـت ۸۰ میلیون نفری مصر، زیـر خط فقر قرار داشـته‌اند. بعد از انقلاب مصر، سـرمایه‌گذاری خارجی در مصر افت شـدیدی کرده و از ۳۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به ۱۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ رسیده است. ارتش ۷۰ درصد تولید ناخالص ملی را در دست دارد

اشاره

هاشمی در نماز جمعه:

اروپایی‌ها مثل گاو شراب می‌خورند!

هاشمی رفسـنجانی یکی از کسانی است کـه چرخش فراوانـی در رفتـار و مواجهه با دنیای سیاسـت داشته اسـت. او که زمانی از یـاران اصلی انقلاب بود، گاه با اتخاذ مواضعی صریح و البته گاها تند تفاوت خود را با دیگران مشـخص می‌کرد. به همین دلیل اسـت که چرخش ۱۸۰ درجـه‌ای او نیز این روزها وی را از دیگران متفاوت می‌کند. در زیر بخشـی از خطبه‌هـای نماز جمعه وی در ۳۰ مهر ۶۱ را مرور می‌کنیم:

■ **نمی توانم از تریبون نماز جمعه دروغ بگویم**

هاشمی در خطبه‌های نماز جمعه با اشاره به اینکه «من نمی‌توانم اقلا از تریبون نمازجمعه برای شـما که می‌خواهید پشت سر من نماز بخوانید دروغ بگویم» گفت: خودتان می‌دانید که هیچ‌کس شـما را مجبور نکرد که بروید و رأی بدهید، هیچ‌کس نگفت به چه کسی رأی بدهید. البته کاندیدای‌شان را معرفی می‌کنند و باید لیسـت بدهند تا مـردم بدانند به چه کسی می‌خواهند رأی بدهند؛ کسی هم کسی را تهدید نمی‌کند. هرکس می‌خواهد، بیاید در این تریبون بگوید من اصلاً با اصل جمهوری مخالفم و بـه این جمهوری رأی نمی‌دهم. ما کارش نداریم؛ مگر کم گفتند؟

هاشمی درباره چرایی برخورد با ضدانقلاب نیز گفت: به خدا اینها اگر می‌خواسـتند کار سیاسی کنند تا قیامت آزادشان می‌گذاشتیم تا در این مملکت بمانند و باشند. همین‌چمن دانشگاه میدان تاخت و تاز اینها بود. امروز نماز جمعه بود، فردا آنها میتینگ می‌دادند. کسی هم حرفی نداشـت که بیاینـد و اینجا جمع بشـوند. ۱۵-۱۰ نفر، ۱۰۰ نفر، هزار نفر بودند و می‌خواستند با سفسطه حاکم واقعی باشند. حـرف آنها این بـود. چـون رأی نمی‌آوردند می‌گفتند انتخابـات را تحریم می‌کنیم. این جنایت است.

■ **حاضر به جاسوسی می‌شدند تا از زندان آزاد شوند**

رئیـس مجلس با اشـاره بـه توقع بیش از حـد بعضـی انقلابیون سـابق نیـز گفت: بعضی‌های‌شان سابقه زندانی هم داشتند. در گذشته زندان بودید، بیرون آمدید احترام‌تان هم کردیم. شما که در زندان این ملت را پیروز نکردید. ما در زندان با شـما بودیم. شـما در زندان بریده بودید. زندانی‌تان تمام شـده بود ولتان نمی‌کردند. می‌گفتند بنویسید حاضریم جاسوسـی کنیـم ولتـان می‌کنیـم؛ مرتب می‌نوشـتید و می‌رفتید. تیپتان این‌طور بود. این ملت مبارزه کرد، پیروز شـد، در زندان‌ها را بازکردند و شما را سردستشان بیرون آوردند. بعد شـما شـروع کردید به این کارهایی که کردید.

■ **هیچ کشوری مثل ایران مجلس ندارد**

هاشـمی رفسـنجانی در ادامه با اشاره به تفاوت‌هـای مجلـس ایران بـا مجالس دیگر کشورها گفت: هیچ کشوری نمی‌تواند مجلسی مثل مجلس ایران داشـته باشـد کـه بوق و تریبونش را در میان مردم باز کنند به طوری که بنده پشت تریبون نفس هم که می‌کشم نفس من در بیرون منعکس می‌شـود و همه مردم متوجه می‌شـوند. مرکز تصمیم‌گیری هم مجلس است. قانونی که از مجلس نگذرد هیچ‌کس نمی‌تواند کاری کند. همه حرف‌های مملکت علناً در آنجا زده می‌شود. در کجا این رابطه‌ای که مجلس جمهوری اسلامی با مردم دارد به این شکل هست؟

■ **ما مجبوریم در ماشین ضدگلوله سوار شویم**

هاشـمی در ادامـه بـه موضـوع ترورها پرداخت و گفت: اینها تروریسـم را درسـت کردند که رابطه ما را با مردم قطع کنند. اگر تروریسـم نبود مسؤولان ما از رئیس‌جمهور گرفتـه تا افـراد این مملکت در مسـاجد و کارخانه‌ها، در زندگی و در خانه‌های‌شـان و در محله‌ها همان‌طور بودند که مردم بودند. تا تروریسم نبود بنده شخصا نان می‌خریدم. عضـو شـورای انقـلاب و وزیر کشـور هم بودم. خودم با ماشـین خـودم راننده خودم بـودم و می‌رفتم نـان را می‌خریدم. بنا نبود حکومت اسلامی این‌طور باشد. این قسمت را آنهـا خراب کردند. یک حجاب مختصری گذاشتند و ناچاریم مدتی برای حفظ انقلاب و دسـتاوردهای انقـلاب و برای حفظ خون شـهدا در ماشین ضدگلوله بنشـینیم. اگر ننشینیم مردم ما را می‌نشانند.

■ **اروپایی‌ها مثل گاو شراب می‌خورند!**

هاشـمی در بخش دیگـری از خطبه دوم نمـاز جمعه به سـفر خود به غـرب پیش از انقلاب اشـاره کرده و گفت: شما بروید اروپا! خیال می‌کنید مردم اروپا چه هسـتند؟ بنده حدود ۴ماه آنجاها گشتم و خوب جزئیات اینها را می‌دانم. در این کافه‌ها می‌نشینند و مثل گاو شـراب می‌خورند و هیچ نمی‌فهمند. مشغول هسـت، از مغازه و فروشگاه بیرون می‌آید و به آنجا می‌رود و بنا می‌کند مشروب خوردن. اصلاً در این عوالم نیستند.